

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نیاشد تن من مباد همه سر به سر تن به کشتن دهیم
بدین بوم ویر زنده یک تن مباد از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Literary-Cultural

ادبی - فرهنگی

دپلوم انجنیر خلیل الله معروفی

برلین، ۱۸ جنوری ۲۰۱۰

به کهنه خود بساز که نو دیگران گران است

وجوه تمایز و تفارق دری افغانستان و فارسی ایران

(بخش هژدهم)

دو یادداشت

یادداشتی را که به تاریخ ۱۸ مارچ ۲۰۰۸ زیر عنوان "اندر باب دری افغانستان و فارسی ایران" در پورتال "افغان جرمن آنلاین" نشر کرده بودم، با حذف نکات غیرضروری، در قسمت هژدهم این سلسله تقدیم می کنم و پیوسته با آن یادداشتی کوتاه و "موزیکال" را می آرم که به تاریخ ۱۴ مارچ ۲۰۰۸ زیر عنوان "دارد اثری آه سحری" نوشته شده و در همان پورتال نشر گردیده بود. در یادداشت دوم، نشانه ای و شاهدهی را می یابیم، که ممثل وفاداری سرزمین هندوستان با اصل "زبان دری"، توانش خواند.

اندر باب دری افغانستان و فارسی ایران

بر مقاله "دانشگاه بجای پوهنتون - ... " که در پورتال "افغان جرمن آنلاین" به نظر خواهی و نظر گیری گذاشته شده بود، نظریات متنوع ارائه گردید. من امروز برسم جمع بندی یک گوشه خاص این مقاله که فرق هر دو "دری" - فارسی ایران و دری افغانستان - را برملا میسازد، در ستون نظر خواهی چیزی نوشتم. اینک همان تبصره خود را در اینجا نقل میکنم:

« هموطنان ارجمند؛ درود و سلام فراوان تقدیمتان!

از نظریات فروانی که ارائه فرموده اید، کمال امتنان دارم، ولی هنوز هم التماس دارم که نظریات سازنده ی خود را بنویسید. قسمی که یکی از ادمین های محترم پورتال برایم گفت، بودند کسانی که راه کج بحثی را گرفته و از سر غیظ مرا با دشنام نوازش داده اند، که طبعاً ایشان چنین نوشته ها را حذف کرده اند. من از همین هموطنانم نیز تشکر میکنم. تشکر من از این هموطنان ازین خاطر است که ایشان بقدر توان و جاغور خود سخن گفته اند. به یقین که اگر ایشان هم سخنان بهتر در چانته میداشتند، هرگز از عرضه اش دریغ نمیکردند. خداوند ایشان را توان بدهد که چشمان خود را باز کرده و از روی صدق و صفا و نه از روی حقد و جفا، چند کتاب و رساله و مقاله تحقیقی و مستند را بخوانند و بنیه معنوی خود را در مسیر درک حقایق و در مسیر خیر و فلاح ملت مظلوم افغان و در مسیر خدمت به وطن محبوب ما افغانستان عزیز، انکشاف بدهند. یقیناً با بنیه بهتر و سالم تر معنوی قادر خواهند گردید، که عقده های بدبینی خود را که بناحق در کنج مغزشان روئیده و تنومند گردیده است، از بین برده و در خدمت مردم دوست داشتنی و ملت هر دم شهید ولی سرفراز خود، برآیند.

من زبان مادری خود را "دری" میدانم و آن "دری افغانستان" است که قانوناً و بنا بر حقایق تاریخی باید همینطور نامیده میشد. این زبان یکی از دو زبان ارجمند رسمی و ملی ماست. قانون اساسی ایران زبان رسمی آن کشور را "فارسی" نامیده و از همین سبب من نیز این زبان را در نوشته هایم "فارسی ایران" مینامم.

در اصل و کنه خود هر دو یک زبان اند، ولی اگر به جزئیات و خصوصیات فونتیک و مشخصات متنوع هر دو توجه نمایم، همین یک زبان در دو نحوه از هم متفاوت تقسیم میگردند، در حدی که اگر مردم عادی افغانستان و ایران باهم وارد افهام و تفهیم گردند، سخن یکدیگر را گرفته نخواهند توانست.

وجوه مشترک هر دو بیشتر در زبان ادبی و زبان باصطلاح "معیار" است؛ خصوصاً تا جایی که به متون قدیم برمیگردد. از عرصه یک قرن بدین سو تحولات واضحی در فارسی ایران رخ داده است، که آن را از دری افغانستان خیلی متمایز میگرداند. البته در دری ما هم تطوراتی دیده میشود، اما نه در حد فارسی ایران. در واقع این دو شاخه در دو سمت متمایز و متفارق از هم نشو و نما کرده اند. من ضمن سلسله مقالات "وجوه تمایز و تفارق دری افغانستان و فارسی ایران"، در هر بخش بر گوشه ای از این تفاوتها و اختلافات انگشت میگذارم. این سلسله تا وقتی ادامه خواهد یافت که گفتنی ها همه بر زبان آیند. به یقین که از مجموعه این مقالات فرق کلی دری افغانستان و فارسی ایران را در خواهیم یافت.

من که به کشور ایران سفرهای بسیار و بی شمار کرده و فارسی ایران را در آن سامان به شکل مقایسوی مطالعه کرده ام، تفاوت بین دری افغانستان و فارسی ایران بمانند "روز روشن کابل" بر من روشن گردیده است. یقین کامل دارم که اگر ناقدان هم این دو را دقیقانه و از نگاه های مختلف دانش زبان مطالعه فرمایند، این تفاوت های فاحش را در خواهند یافت. اما چون این هموطنان ما این زحمت را متقبل نمیگردند و از طرفی شنیده اند که "علی آباد شهر است" پیوسته حکم عمومی و سرجمع و دربست بر "یکی بودن" و "یگانگی عام و تام فارسی و دری" صادر میکنند. حتی اشخاصی از طیف افغانان باسواد و تعلیم یافته ما که به علم و ادب و فضل و شعر و داستان نویسی و چه و چه و چه شهره گردیده اند، دست به چنین قضاوتهای سرجمع و شتابزده میزنند....

یقین دارم که اگر ایشان خیره سری را از نهاد خود دور انداخته و واقعیت ها را با بیطرفی دلسوزانه و از روی دانش زبان، از نظر بگذرانند، درک خواهند کرد که "فارسی" و "دری" از بسا جهات از هم فرق میکنند. فرق "فارسی ایران" و "دری افغانستان" به مراتب بیشتر از فرقیست که در قلمرو زبان المانی، بین المانی المان و المانی اتریش و المانی سوئیس و در قلمرو زبان انگلیسی بین انگلیسی انگلستان، انگلیسی امریکا، انگلیسی افریقای جنوبی، انگلیسی آستریلیا، انگلیسی جنوب شرق آسیا و غیره دیده میشود.

یکبار دیگر از نظر دهندگان هر دو جناح تشکر کرده و ایشان را به مطالعه مقالات بی شمارم که در زمینه نوشته شده دعوت میکنم. با عرض حرمت»

در اصل یادداشت لست سی مقاله ای را که در همین زمینه در پورتال "افغان جرمن آنلاین" منتشر شده بود، بیرون نویس کرده بودم، ولی حالا که مسأله را طی سلسله حاضر در پورتال "افغانستان آزاد - آزاد افغانستان" پیگیرانه پیش میبرم، ضرورت پیشکش آن لست را منتفی میدانم.

دارد اثری آه سحری

"یای معروف" و "یای مجهول"

.....
بحث کنونی دنباله مقاله ایست که ماهها پیش زیر عنوان "یای مجهول و واو مجهول" تقدیم گردیده بود و در آن چنین میخوانیم:

«در این قسمت باز گوشه ای دیگر از تفاوتهای دری افغانستان و فارسی ایران نشان داده میشود. هدف از ارائه این سلسله رد ادعای سست بنیاد و بی اساس کسانیت، که میگویند "فارسی فارسیست، در هر کجا که باشد!!!!!" این سلسله ادامه دارد و ضمن هر بخش، قسمتی از این تفاوتها و افتراقات مجسم ساخته میشود. بدون تردید، وقتی این گفتار، که دنباله دراز دارد، به آخر برسد، مجموعه ای بدست خواهد آمد، گویا و همه فهم، که در کلیتش پیکره هر دو لهجه زبان دری را در افغانستان و ایران مجسم خواهد گردانید. و مجسم خواهد گردانید، که دری افغانستان تا چه حد وفادار به اصل مانده است و در امان از ابتذال!!!!!!»

در این بخش گذری میکنیم به دو "یاء" و دو "واو"؛ یکی "معروف" و دیگری "مجهول". چنان که می دانیم، در زبان "دری افغانستان" دو قسم "یاء" و دو قسم "واو" داریم؛ "یای معروف و مجهول" و "واو معروف و مجهول".

- "یای معروف" :

که صریح و شدید تلفظ میگردد؛ مثلاً در کلمات "تیر، امیر، خمیر، حقیر، عمید، جبین، تولید، توحید، بیم، ریم، ندیم، نسیم، شمیم، یتیم، عندلیب، عید، دید، پلید، رسید، کشید، نالید، رمیدن، جویدن، شنیدن، سی،

سهی ، تهی ، کریم ، رحیم ، رجیم ، عظیم ، لئیم ، کثیف ، شریف ، نجیب ، حلیم ، خبیر ، جبیره ، لیب ، عشیق و غیره". چنانکه درین مثالهای فراوان می بینیم، کلمات " امیر ، خمیر ، حقیر ، عمید ، جبین ، تولید ، توحید ، ندیم ، نسیم ، شمیم ، یتیم ، عندلیب ، عید ، کریم ، رحیم ، رجیم ، عظیم ، لئیم ، کثیف ، شریف ، نجیب ، حلیم ، خبیر ، جبیره ، لیب ، عشیق" همه "عربی" اند و متباقی همه "دری".

- "یای مجهول" :

که سست و ضعیف و به مانند "کسره ممدود" اداء میگردد؛ مثلاً در کلمات "پنیر ، شیوه ، میوه ، خیره ، جیوه ، دیو ، سیب ، اوریب ، ریسمان ، پشیمان ، بید ، سفید ، امید ، بیمار ، بیدرد ، بی اراده ، بیدانه ، بیراه ، بی غیرت ، بیواسطه ، بی رقم ، بیغم ، تیغ ، میغ ، ستیغ ، دریغ و غیره". حرف "یای مجهول" در "زبان عربی" وجود ندارد و عناصر و کلماتی که متضمن "یای مجهول" باشند، "عربی" نیستند!!!!!!

کلمات "بی اراده و بی غیرت و بی واسطه و بیرقم و بیغم" ، ترکیبات "دری - عربی" اند، که متضمن پیوند پیشوند دری "بی" با کلمات عربی "اراده، غیرت، واسطه، رقم و غم" اند. "یاء" در کلمه عربی "غیرت" به نام "یای ملین" (نرم کننده) یاد میگردد.

در گذشته های نچندان دور در ماشین های تایپ دری، "یای مجهول" علامت مشخص خود را داشت که با دو نقطه "زیر به زیر" یا "سر به سر" در زیر کرسی "یاء" نمایش داده میشد. از زمانی که بازار تحریر و کتابت و نوشت و خوان ماشینی بدست برادران ایرانی ما افتید، علامت خاص "یای مجهول" را از صحنه "تحریر دری" هم کاملاً تبعید کردند و امروز نه در ماشین های تایپ معمولی و نه در تایپ کمپیوتری از آن اثری دیده میشود. در واقع ایرانیان نحوه خاص "فارسی" خود را در تحریر و کتابت بر "دری افغانستان" تحمیل کردند و این کاریست، که زیر عنوان "دیکتاتور زبانی و فرهنگی ایران بر قلمرو زبان دری" باید جلی ساخته شود!!!! امید است که روزی افغانان "وطنخواه"، "فرهنگ اندیش"، "دری پسند" و "دری گرا" قادر گردند، تا این حرف خاص و مشخص را در "الفبای دری"، دوباره زنده نموده و این نقیصه مشهود و بیرحم "زبان مکتوب دری" را مرفوع گردانند. همچنان برای "واو مجهول" علامت مشخصه ای را وضع نمایند، تا در هنگام تحریر و کتابت، دیگر جفائی بر کلمات متضمن "واو مجهول" روا داشته نشود!!!!!!

جای بس خوشنودی و سرفرازیست که "زبان گفتار و محاوره دری" - که اصل و محک و معیار "زبان دری" هم هموست - هم "یای مجهول" و هم "واو مجهول" را با جدیت و قاطعیت تام و کامل، محفوظ نگهداشته است!!!!!! دانشندان دلسوز برای زبان ارجمند "پشتو" در قسمت تشخیص انواع پنجگانه "یاء" - که "یاء های معلوم و مجهول" را نیز در بر میگیرند - سعی بلیغ به خرج داده و "الفبای زبان پشتو" را ازین جهت آراسته و تندرست ساخته اند. البته لازم است که در "زبان تحریر پشتو" نیز علامه فارقه ای برای "واو مجهول" وضع گردد!!!!!!

- "واو معروف" :

که شدید و صریح تلفظ میشود؛ مثلاً در کلمات "غول ، زود ، بوت ، توت ، خوب ، ایوب ، بروت ، قروت ، جالوت ، فانوس ، آنوس ، پنتوس ، روس ، چلوس ، جلوس ، حسود ، کبود ، عبوس ، عنود ، عروس ، دیوث ، سالوس ، فاروق ، ولوع ، جنون ، جنوب ، کنون ، روح ، نوح ، قاموس ، جاسوس و غیره". کلمات "غول ، ایوب ، جالوت ، فانوس ، جلوس ، حسود ، عبوس ، عنود ، عروس ، دیوث ، سالوس ، فاروق ، ولوع ، جنون ، جنوب ، روح ، نوح ، قاموس ، جاسوس" یا خود "عربی" اند و یا "غیر عربی" که در عربی با همین طرز تحریر، استعمال میگردد.

- "واو مجهول" :

که سست و ضعیف اداء میگردد؛ مثلاً در کلمات "جوی ، روی ، بوی ، موی ، سوی ، روباه ، بویا ، پویا ، گویا ، جویا ، زویا ، هنوز ، روز ، تنور ، شوخ ، دوغ ، دروغ ، کوچ ، انبوه ، اندوه ، ترسندوک ، زردنیوک ، لافوک ، جوش ، خروش ، خاموش ، دوش ، سروش ، و غیره". چنانکه می بینیم، در این کتگوری، لغات "عربی" قطعاً دیده نمیشوند و آن بخاطریست که در زبا عرب "واو مجهول" اصلاً وجود ندارد. بلی؛ زبان تازی فاقد "یای مجهول" و "واو مجهول" است!!!!!!

هر دو قسم "یاء" و "واو" در روزگاران قدیم در زبان "فارسی و دری" رایج بوده، که خوشبختانه به عین شکل تا به امروز نیز در "دری افغانستان" پابرجا و استوار مانده اند. اما در زبان "فارسی امروز" ایران - و خصوصاً در زبان باصطلاح "معیاری" آن - تنها "یاء" و "واو معروف" وجود دارند و از "یاء" و "واو مجهول" اثری نمانده است. در کشور ایران همان حیوان درنده ای را که گویا پادشاه جانوران یا سلطان جنگل خوانده شده ، هم sheer تلفظ میکنند و نیز آن مایع سفیدی را که از پستان پستانداران ماده بدر میگردد. ایرانیان هم نبات و گیاه معروف "سیر" را که برادر خوانده "پیاز" است، بصورت seer تلفظ میکنند و هم صفت "سیر" را که مقابل "گرسنه" است....»(1)

خواستم که به خاطر رفع خستگی و بر سیلِ تفنن و هواخوری سیری در "یوتوب" کرده و از موسیقی لذت ببرم. مسحور غزل های "ملکه غزل" و به گفته ای "شاهنشاہ غزلخوانی هندوستان"، مرحوم اختر یائی "فیض آبادی" - مشهور به "بیگم اختر" - گردیده بودم، که یک غزل شیر و شکر (اردو - دری) او را یافته و به ترکیب زیبایی "دارد اثری آه سحری" رسیدم. این مصراع زیبا را که الهام بخش انتخاب عنوان این مقال گردید، بهانه ساخته و میروم بسوی مسیری که به هدف رهنمون میگردد. چون نمی خواهم این لذت تنها در انحصار من بماند، لینک غزل را از "یوتوب" بیرون کشیده و تقدیم خواننده ارجمند میکنم، باشد که آن را با یک کلیک باز کرده بشنود و در پرتو انبساطی که امید است برایش دست بدهد، موضوع خسته کن این مضمون را دمی فراموش نماید.

<http://www.youtube.com/watch?v=YLMlufbYEOY>

فکر کنم که غزل از مرحوم "میرزا جمال" است، که به اردو و دری شعر می سروده و اندرین باب فراوان سروده و بسیار نغز سروده است.

وقتی از "آه سحری" ذکر می آید - خواه با "یای معروف" است و یا "یای مجهول" - کدام طفره روی نیست و مراد از این نیست که کسی از دردمندان وطن سحرگهان برخیزد و پس از ادای "دوگانه" به درگاه "یگانه" آهی بکشد و دعائی بکند. این را هم نمی دانیم که آه مظلومان، چه بسا صبح و مسا به گردون رود و دامن قاتل و جانی و خائن و جنایت گستران را گیرد؛ که به فرموده حضرت حافظ شیرازی:

رقیب آزارها فرمود و جای آشتی نگذاشت
مگر آه سحر خیزان سوی گردون نخواهد شد؟؟؟

خواننده ارجمند هموطن من فرق "سحری" را در مصراع مرحوم "میرزا جمال" و مصراع "حافظ شیرازی" که فرماید "به عذر نیمه شبی کوش و گریه سحری" (۲) به نکوئی درخواهد یافت. اما مطمئن نیستم که برادران ایرانی ما نیز این تفاوت را در "تلفظ" درست اداء کرده بتوانند، چون از زبان دری آن سامان "یای مجهول" کاملاً رخت بر بسته و به اصطلاح کابلیان "فرار مُلک ها" گردیده است!!!

در عنوان "اثر" و "سحر" با "یای نکره" پیوند خورده اند، که عبارت از "یای مجهول" است. "آه سحری" (با یای مجهول) یعنی "آهی که در یک سحر نامعلوم برخیزد"، "آن آه سحر، که به ما معلوم نیست". این ترکیب نباید با "آه سحری" (با یای معروف) مغالطه گردد، که مراد از "آهی باشد که سحرگهان، از دل سوخته و زاری بدر آید".

در گذشته های نچندان دور در ماشین های تایپ دری علامات خاصی برای هردو "ی" سراغ میگردید: "یای مجهول" یائی بود با دو نقطه "سر بسر" یا "زیر بزیر"، در حالی که "یای معروف" با دو نقطه "پهلوی به پهلوی" نشان داده میشد. این رسم الخط را در تحریر نیز مراعات میکردند. فائده این طرز نوشته این بود، که هر مبتدی و نوآموز و ابجد خوان زبان دری میتواند یای معروف و یای مجهول را در کلمات درست تمییز کرده و بالوسیله درست تلفظ نماید؛ چنانکه در گفتار همی کنند. با نفوذ فارسی ایران در افغانستان این شیوه متأسفانه متروک گردید و نسل امروزی شاید اصلاً نشنیده باشد که در گذشته چنین ظرافتی در رسم الخط دری ملک ما مراعات میگردد. است. رسم الخط زبان ارجمند پشتو که "یاء" های متنوع دارد، این باریکی را کاملاً مراعات مینماید.

آرزومندم که وقتی هموطنان ارجمندم در بازار "سافت ویر" نقشی در تعیین رسم الخط زبان خود پیدا کردند، به این نکته توجه جدی فرموده و نه تنها علامات مرده هردو "یاء" را دوباره زنده بسازند، بلکه برای هردو "واو" نیز علامات فارقه وضع و تجویز نمایند!!!!!!

نحوه سره "دری افغانستان" با تمام کیف و کان و ممیزاتش، جزئی از سرمایه های گرانبهای فرهنگی زبان ماست و باید در حراست و حفاظتش از دل و جان کوشید!!!!!!

توضیحات:

۱ - در بخش هفتم این سلسله که به تاریخ دسمبر ۲۰۰۹ در پورتال "افغانستان آزاد - آزاد افغانستان" منتشر گشت و بمانند همه مطالب دیگر در آرشیف های پورتال در دسترس میباشد، در زمینه سخن بیشتر گفته شده است.

۲ - مصراع از غزل معروف حضرت حافظ گرفته شده که فرمود:

طفیل هستی عشقند آدمی و پیری	ارادتی بنما تا سعادت بیبری
بکوش خواجه و از عشق بی نصیب مباش	که بنده را نخرد کس به عیب بی هنری
می صبوح و شکرخواب صبحدم تا چند؟	به عذر نیمه شبی کوش و گریه سحری